



است و این طبیعت بهره‌گیری از عقل و علم است؛ چرا که سنت‌های الهی به قوت خود باقی است و مسلمان و کافر نمی‌شناسد؛ بنابراین وقتی در خیابان‌های اروپا پیشرفت مادی می‌بینید، این را نمی‌شود نفی کرد؛ اما اینکه این توسعه از کجا آمده، درست مثل این می‌ماند که یک آدم قلدری در یک روستا با ایجاد ترس و وحشت، زمین‌های مردم را بگیرد و خانه‌ای بزرگ و مجلل بسازد.

اما تحولات آموزش و پرورش، بخشی از آن در درون آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد و بخش دیگری از آن بر عهده سازمان‌های دیگر مانند شهرداری‌ها است. مثل اینکه بیايند و در حیاط مدرسه درخت و گل بکارند و محیط‌هایی فراهم کنند که دانش‌آموزان هم در پاکیزگی شهر مشارکت کنند تا وقتی یک رفتگر را می‌بینند، به او احترام بگذارند. این‌ها شاید در ایران خیلی عجیب به نظر برسد؛ اما در غرب اجرا می‌شود. همین که شما در ماشین نشستید و می‌بینید نوجوانان کم سن و سالی در حال نظافت خیابان است، خودت خجالت می‌کشی که آشغال بریزی.

باید مدراس را از این حالت چهاردیواری خارج کنیم و همه شهر را محیط آموزشی قرار دهیم؛ چرا که تربیت شهروند مسلمان در یک مدرسه ایزوله و بیان صحبت‌های شعاری و به دور از واقعیات جامعه، ممکن نیست اثر مطلوبی بر جای بگذارد. وقتی در مدرسه تأکید می‌کنید که علم بهتر از ثروت است؛ اما در محیط جامعه همه در و دیوار شهر و روابط اجتماعی مردم نشان می‌دهد که ثروت بهتر است، برای حل این تضاد باید دانش‌آموز را به جامعه بیاوریم و بگوئیم درست است که تو عمویت پول دار است و عمومی دیگری که استاد دانشگاه است، وضع زندگی‌اش خوب نیست؛ اما هنگام مشورت با کدام عمویت مشورت می‌کنی؟

مدرسه چگونه می‌تواند یکی از تحول‌آفرینان این نظام تربیتی جدید باشد؟

اگر در مدرسه و در ذهن مدیر و معلم تحول اتفاق نیافتد، همین مدرسه می‌تواند

جامعه تفهیم کند. هنرمندان ما دائم باید کتاب بخوانند و رسانه ملی را تحت فشار بگذارند که چرا برای ما کلاس نمی‌گذاری؟ الان یک سریال که می‌سازیم، خیلی وقت‌ها نکات آموزنده دارد؛ اما در کنارش صدها نکته بد هم وجود دارد که به صورت ناخواسته متأثر از جعل فیلمنامه‌نویس اتفاق می‌افتد. به هر حال این فرآیندی است که همه در آن مقصر هستیم.

آموزش و پرورش اگر بخواهد در خانواده‌ها کار جدی کند، گام اولش این است که بدنه خود را جدا آگاه کند؛ اما متأسفانه بعد از انقلاب، کیفیت عمومی معلمان افت کرده است. البته معلم عاشق باسواد هم کم نداریم؛ اما به دلایلی متوسط کیفیت کار معلم پایین آمده است.

آموزش و پرورش در حرکت به سمت تمدن ایرانی اسلامی و حیات طیبه برای تربیت نسل آینده چگونه می‌تواند موثر باشد؟ شما گفتید تمدن غرب خوبی‌هایی دارد و در تربیت نسل‌های خود کارهای مثبتی انجام می‌دهد. اگر ما الگوی همین تمدن غرب را گرفته بودیم، الان موفق‌تر نبودیم؟

تمدن غرب برای ما گرفتنی نیست. اصولاً پیشرفت بشریت مدیون علم انبیای الهی و آموزه‌های مستقیم آن‌ها به مردم است. به لحاظ سالم‌سازی محیط، اولین قدم‌های پیشرفت و توسعه را انبیا برداشتند که آخرین نمونه آن ظهور تمدن اسلامی بوده است. اکثر دانشمندان مهم و کلیدی که زمینه‌ساز تمدن اسلامی شدند، اهل کشورهای با سابقه تمدنی بسیار بودند. اغلب کتاب‌های ایرانیان به زبان عربی نوشته شده؛ اما بعد از اینکه آرام آرام به دلایل مختلف جوامع اسلامی دچار انحطاط و عقب‌افتادگی می‌شوند، بسیاری از آموزه‌های اسلامی به محیط سرسبز و دارای منابع عظیم تمدن اروپا منتقل می‌شود. ما در شرایطی قرار داریم که غرب به لحاظ مظاهر زندگی و بهره‌گیری از علم و عقل، خیلی از ما جلوتر